

تبیین نقش اخلاق شهروندی در توسعه پایدار کلان‌شهر تهران

حسین رحمانی تیرکلایی^۱

استادیار، هیئت علمی دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۰۱

چکیده

رفتار انسان با محیط و با هم نوع است که تعیین کننده پایدار بودن و یا نبودن توسعه است. یکی از محیط‌هایی که توسعه پایدار در آن بسیار مهم است محیط کلان‌شهرها است. در این محیط‌ها شاهد تجمع و تراکم جمعیتی زیادی هستیم و در نتیجه بهره‌برداری‌های بیش از ظرفیت فشار زیادی به محیط وارد می‌شود. با توجه به این مقدمه است که در کنار قانون و مدیریت و سیاست‌گذاری، اخلاق شهروندی از اهمیت بالایی برخوردار می‌شود. هدف این مقاله بررسی نقش اخلاق شهروندی در توسعه پایدار کلان‌شهر تهران است. روش این مقاله کیفی بوده و برای گردآوری داده‌های پژوهش از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز توصیفی تحلیلی است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که توسعه پایدار کلان‌شهرها به چیزی بیش از برخورد قانونی و قهری و مدیریت و سیاست‌گذاری نیاز دارد. بی‌شک با مدیریت و برنامه‌ریزی می‌توان به توسعه دست یافت اما توسعه پایدار چیزی فراتر از مدیریت و برنامه‌ریزی است. بی‌شک بالاترین فناوری‌ها در کنار علمی‌ترین مدیریت‌ها اگر با همراهی و مشارکت اخلاقی شهروندان همراه نباشد چیزی بیشتر از بوروکراسی مدیریتی نخواهد بود. درک مسئولیت در قبال محیط زندگی و تعهد اخلاقی نسبت به محیط و آیندگان است که پایداری زندگی را در کلان‌شهر تهران تضمین می‌نماید. البته برنامه‌ریزی برای ارتقای اخلاق شهروندی با توجه به نقش آن در توسعه پایدار خود مقوله‌ای است مهم و نیازمند برنامه‌ریزی از سوی همه نهادها و سازمان‌های متولی مدیریت و برنامه‌ریزی شهری.

کلیدواژه‌گان: اخلاق شهروندی، توسعه پایدار، کلان‌شهر تهران.

^۱. نویسنده مسئول (rahmanitirkalai1391@yahoo.com)

یکی از مباحث مهم پیرامون مسائل شهری، مفهوم توسعه پایدار شهری است که توسعه‌ای مبتنی بر نیازهای واقعی و تصمیم‌گیری‌های عقلایی، با در نظر گرفتن ملاحظات مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی محسوب می‌شود. در سال ۱۹۸۰ برای نخستین بار نام توسعه پایدار در گزارش سازمان جهانی حفاظت از منابع طبیعی^۲ آمد. این سازمان در گزارش خود با نام استراتژی حفظ منابع طبیعی این واژه را برای توصیف وضعیتی به کار برد که توسعه (Roghani, E., Rahimi, J., & Ansari, A. (2010) نه تنها برای طبیعت مضر نیست، بلکه به یاری آن هم می‌آید. پایداری می‌تواند چهار جنبه داشته باشد: پایداری در منابع طبیعی، پایداری سیاسی، پایداری اجتماعی و پایداری اقتصادی (Ebrahimzadeh, 2007). در حقیقت توسعه پایدار تنها بر جنبه زیست‌محیطی اتفاقی تمرکز ندارد، بلکه به جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی آن هم توجه می‌کند. توسعه پایدار محل تلاقی جامعه، اقتصاد و محیط زیست است. توسعه پایدار را نیز مفهومی می‌دانند که در آن تأمین مستمر نیازها و رضایتمندی افراد همراه با افزایش کیفیت زندگی انسان را مدنظر قرار می‌دهد. پایداری شهری که با معیارهایی نظیر عدالت اجتماعی، مشارکت شهروندی و همبستگی اجتماعی، افزایش کارآمدی نهادهای اجتماعی، ارتقاء فرهنگ شهروندی و کارآمدی سیاست‌ها و برنامه‌های سیاست‌گذاری در حوزه کلان‌شهری و بهینه‌سازی مناسبات مدنی قوام می‌یابد، آرمانی برای کیفیت پویایی زندگی شهری و سبک جدید زیستن است (Ebrahimi, 2008).

امروزه با توجه به آلودگی‌های متفاوتی که به علل گوناگونی از جمله فرایند صنعتی شدن، استفاده بی‌رویه و غیراصولی از منابع و... بر روی این کره خاکی به وجود آمده، رشد زیاد جمعیت و کمبود منابع برای ادامه زندگی نسل حاضر و نسل‌های آینده، باعث ایجاد تغییراتی در دیدگاه‌ها و نقطه نظرات توسعه شده است. دیدگاهی که در کنار رسیدن به توسعه اقتصادی- اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی انسان، ارزش و اعتباری ویژه برای حفظ کیفیت محیط زیست انسان‌ها و سایر موجودات قائل است (Krohling, R. A., & Campanharo, V. C. 2011). در بحث برنامه‌ریزی شهرها که محیط زندگی عده کثیری از انسان‌ها می‌باشند نیز مباحث تئوریک و عملی این نظریه وارد شده است و واژه توسعه پایدار در مفهوم گسترده آن به معنی اداره و بهره‌برداری صحیح و کارآمد از منابع پایه، طبیعی، مالی و نیروی انسانی برای دستیابی به الگوی مصرف مطلوب است که با به‌کارگیری امکانات فنی و ساختار و تشکیلات مناسب برای رفع نیاز نسل امروز و آینده به‌طور مستمر و رضایت‌بخش امکان‌پذیر می‌شود (Arjmandnia, 2000). گسترش دائم جمعیت شهری تهران، در ابعاد کمی و کیفی خود نه فقط به الگویی تبدیل شد که تقریباً همه اشکال و ابعادش به صورت مستقیم و بلافاصل در سایر شهرها تقلید و تکرار می‌شدند بلکه الگویی را عرضه کرد که در آن سبک‌های زندگی بسیار متفاوت ظاهراً می‌توانستند با یکدیگر «زندگی» کنند (Sneddon, C., Howarth, R. B., & Norgaard, R. B. 2006). در حالی که این همسازی بیشتر از آنکه یک واقعیت کارکردی باشد نوعی اجبار و فشار بود که سبب به وجود آمدن

². IUCN

انواع و اقسام اشکال آسیب‌زده و آسیب‌زای شهری می‌شد. تهران بیشتر از آن که الگویی برای توسعه شهری پایدار باشد به گویاترین الگو برای توسعه شهری ناپایدار بدل شد. زاغه‌نشینی، تداوم بافت‌های فرسوده درون‌شهری، سوداگری بر زمین و بر ساخت و سازهای مسکن و سایر فضاهای شهری، فاصله شدید درآمدی میان شهروندان، توزیع نابرابر و بی‌معنای امکانات شهری (Irandoost et al., 2015). برخی از این موارد نابسامانی بودند که طبعاً نمی‌توانستند کاری جز فاصله گرفتن این شهر از الگوی توسعه پایدار انجام دهند در حالی که با تقلید این موقعیت‌ها در شهرهای دیگر، هدف توسعه پایدار باز هم به رویایی دست‌نیافتنی‌تر تبدیل می‌شد. هدف این مقاله بررسی نقش اخلاق شهروندی در توسعه پایدار کلان‌شهر تهران است. روش این مقاله کیفی بوده و برای گردآوری داده‌های پژوهش از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز توصیفی تحلیلی است.

رویکرد نظری

«خُلُق» در لغت به معنای «صفت پایدار و راسخ»، یعنی ملکه و اخلاق بر مجموعه این‌گونه صفات اطلاق می‌گردد. اخلاق، اختصاص به صفات نیکو و پسندیده نداشته و شامل صفات زشت و ناپسند نیز می‌شود؛ همان‌طور که بعضی انسان‌ها دارای خلق نیک سخاوتمند و برخی دیگر گرفتار خلق ناپسند بخل می‌باشند (Mesbah, 2007: 15). فروید در تعریف اخلاق می‌گوید: اخلاق محدود کردن غرایز به منظور پیشرفت تمدن است یعنی غرایز را باید در حیطه عقل محدود کرد تا به تمدن و اجتماع آسیبی وارد نیاید. ابن مسکویه در کتاب "تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق" می‌گوید: خلق همان حالت نفسانی است که انسان را به انجام کارها دعوت می‌کند بدون آنکه نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد. علامه طباطبایی در تعریف اخلاق می‌نویسد: اخلاق، ملکه نفسانی است که افعال به آسانی و بدون تأمل و درنگ از آن صادر می‌شود (Nasr Isfahani, 46). اخلاق بنابه تعریف شایع آن، مشتمل بر فضائل و رذایلی است که بعد روحانی انسان را شکل می‌دهد و منشأ بروز رفتارهای متناسب با آن می‌شود (Qorbany, 135). با توجه به تعاریف ذکر شده، اخلاق مجموعه‌ای از صفات نفسانی و اعمال و رفتار اختیاری است که بستگی به خوب و بد آن و انجام پسندیده یا ناپسند آن، نقش بسیار مهمی در سعادت و رستگاری یا شقاوت افراد اجتماع و شهروندان دارد.

در سنت اسلامی، پس از پیشینه صدر اسلام و تجربه دینی - اخلاقی آن، فیلسوفانی چون فارابی و ابن سینا مفهوم مدینه فاضله را در سنت نوافلاطونی به کار بردند و اخلاقی را در باره ضرورت‌ها، حقوق و وظایف شهروندان چنین شهری مطرح کردند. در اروپا واژه شهروندی از (citoyen) فرانسوی و ریشه لاتین (Civis) می‌آید که فوستل دو کولانژ در تاریخ شهر باستان آن را در نزد یونانیان در اتحادی قراردادی میان رؤسای گروه‌های قبیله‌ای برای استقرار در یک نقطه مشخص (شهر) و تبعیت از خدایان و قوانین واحد و همچنین شرکت در مناسک مشترک است (Bahraini, 1997). در دوران متاخر منتسکیو در روح القوانین شهروندی (citoyenete) را مجموعه‌ای از سازوکارهای اخلاقی - مدنی می‌داند که باید بر روابط میان شهروندان حاکم باشد. انقلاب‌های جدید مفهوم شهروندی را به مثابه پایه‌ای

برای دولت های ملی جدید قرار دادند: ملت مجموعه های منسجم از شهروندانی که به یک قدرت سیاسی مشروعیتی از پایین (برخلاف مشروعیت های از بالا در نظام های گذشته) می دهند (Baratali and Pouri, 2009).

در قرن بیستم دولت های رفاه و گسترش شهرنشینی به حکومت های محلی بزرگ یعنی کلان شهرهایی امکان پیدا شدن داد که هر یک دارای انباشت ثروت، جمعیت و قدرت دولت هایی کوچک و حتی متوسط را داشتند. این کلان شهرها امتیازات زیادی برای ساکنان خود فراهم می کنند اما در عین حال مشکل ساز نیز هستند (آلودگی های زیست محیطی، تنش ها و مزاحمت های همسایگی، شورش های شهری، اوباشیگری، انحرافات اجتماعی (Barati and Thani, 2011)). با توجه به این پیشینه تاریخی - نظری اخلاق شهروندی را می توان مجموعه ای از قوانین و عرف های اجتماعی تعریف کرد که بتوانند در این زمینه به ویژه در شهرهای بزرگ و متوسط اما همچنین در شهرهای کوچک به دست اندرکاران و ساکنان این شهرها برای زندگی هماهنگ و بدون تنش چه با یکدیگر و چه با محیط زیست و به توسعه پایدار یعنی امکان گذار آرام موقعیت های مناسب کنونی و از میان برداشتن موقعیت های نامناسب کنونی، برای نسل های آینده امکان دهد؛ بنابراین اخلاق شهروندی عبارت است از: مجموعه ای از مبانی و معیارها، بایدها و نبایدها و هنجارهایی که بر رفتار، اعمال، روابط و مناسبات اجتماعی شهروندان حاکم است و به لحاظ اهمیت از موضوعات مهم زندگی شهروندان محسوب می شود که با گذشت زمان و در نتیجه پیشرفت علوم و فناوری های جدید و ترویج فرهنگ های مختلف و نیز رشد شهرنشینی و آشکار شدن نیازهای جدید مادی و معنوی انسان، ضرورت آن بیشتر احساس می شود (Parhizkar and Firoozbakht, 2011).

در واقع اخلاق شهروندی، اصولی است که سبب رعایت حقوق فردی و اجتماعی و تکلیف نسبت به دیگران، پیروی از قوانین و مقررات اجتماعی، احساس مسئولیت نسبت به هم نوعان و ترجیح منافع جمعی بر منافع فردی در همه صحنه های تلاش و فعالیت های گوناگون می گردد، ملکه نفسانی و صفت پایدار شهروند را تشکیل می دهد. بر این اساس اخلاق شهروندی در ابعاد موضوعی مختلف از جمله اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی، اخلاق اقتصادی، اخلاق سیاسی، اخلاق خانواده، اخلاق دولت مردان، اخلاق کارگزاران، اخلاق مدیران، اخلاق رسانه و مطبوعات و... ظاهر می شود. در واقع اخلاق از آن جا که برخاسته از ذات و فطرت آدمی است به گونه ای که در هر حوزه ای که حضور یابد، فضائل و رذائل خود را نشان خواهد داد، دین مقدس اسلام، حساب ویژه ای برای آن گشوده است. اخلاق است که انسان را به سوی وظایف فردی و اجتماعی سوق می دهد (Qutb, 1981: 119). اخلاق یکی از مهمترین حوزه های مورد تاکید همه ادیان آسمانی است. اخلاق یک قلمروی مهم در زندگی اجتماعی و معرفتی هر فرد شناخته می شود و چه بسا حتی پیش از هر چیز یک وسیله تنظیم کننده در روابط اجتماعی انسان ها نیز تلقی شود. اخلاق مدافع منافع اجتماعی و گروهی اعضای یک جامعه است و در این راه عهده دار نوعی آگاهی است که آنها را به مرور به مخاطب خود منتقل می کند. اخلاق در شکل اجتماعیش یک ضرورت نیز هست (Nastaran et al., 2010). ضرورتی که به خصوص در جامعه ما که دین در آن وجه پرنرنگی دارد پراهمیت تر به نظر می رسد. چرا که هرچه باشد اخلاق در

یک جامعه دینی شکل تقلیل یافته همان مذهب تلقی می‌شود. از نظر مسلمانان، اخلاق قوت گرفته از دین است و این درست بر خلاف نظر کانت بوده که معتقد است دین بر پایه اخلاق بنیان گذارده می‌شود. به عبارتی، مسلمانان به این دلیل که دین را به عنوان یک مجموعه و اخلاق را زیر مجموعه آن در نظر می‌گیرند سعی می‌کنند تا علت ورود به بحث اخلاق را نیز به گونه‌ای جلوه دهند که رنگ دین در آن غالب باشد (Poladi, 2008).

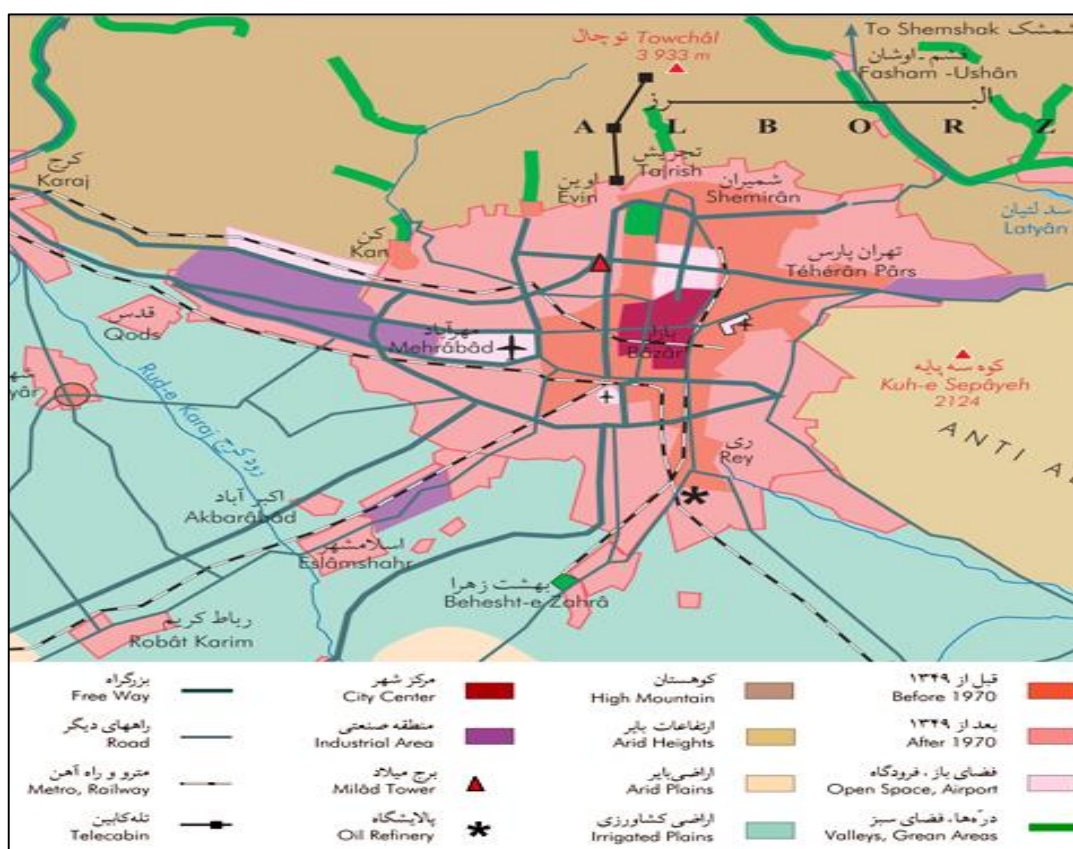
حوزه اخلاق برای مسلمانان به طور مستقیم مرتبط با روز رستاخیز و آخرت، سلوک نفس، دستورات اخلاقی اولیا و جز این است تا به همین علت باشد که امروز اخلاق به عنوان یکی از زوایای اصلی زندگی شهری ما محسوب شود. هرچند باید همین جا به این موضوع اشاره کرد که به طور کلی پرداختن به موضوع اخلاق شهری و اخلاق شهروندی اگرچه امروز به همراه مفاهیم مدرن و در قالبی نو به مخاطبان عرضه می‌شود اما باید پذیرفت که اصل این موضوع صرفاً واقعییتی نیست که تنها منحصر به تمدن امروزی باشد، بلکه آنچه به عنوان شاهد و مثال می‌توان از کتب مقدس الهی و یا دستورات عمل‌های مختلف مکتوب شده در دوره‌ای مختلف استخراج کرد مبین این پاسخ است که زندگی اخلاقی ریشه در تاریخ آفرینش داشته است. حتی اگر امروز ضرورت وجودش بیشتر از گذشته احساس شود. آن هم فارغ از جست‌وجو در چرایی وجود چنین ضرورتی (Taqvae and Akbari, 2009). منظور از اخلاق شهروندی، مجموعه‌ای از مبانی، معیارها، بایدها و نبایدها و هنجارهایی است که بر رفتار، روابط و مناسبات اجتماعی شهروندان حاکم است و چنانچه مورد هجمه قرار گیرد، سعادت و کمال انسان به شدت آسیب می‌بیند و نابود می‌شود؛ زیرا رشد، تعالی و تکامل انسان تنها زمانی میسر و محقق خواهد شد که شهروند در سایه پرورش فضائل اخلاقی، به اصول ارزشی و مقررات اجتماعی برگرفته از اندیشه الهی و مکتب انسان ساز اسلامی مقید و پای‌بند باشند. بدون تردید بسیاری از مشکلات خرد و کلان جامعه به بحران‌های اخلاقی باز می‌گردد که در پیدا و پنهان روح و ذهن شهروندان راسخ شده است. به تعبیر دیگر، بسیاری از مشکلات در سطح فردی، خانواده‌ای، اجتماعی و بسیاری از ناهنجاری‌های جامعه ناشی از دور شدن انسان از فضائل انسانی است. امری که توجه مؤکد نخبگان و مصلحان را می‌طلبد (Tavalaee, 1994).

محیط مورد مطالعه

کلان‌شهر تهران بزرگ‌ترین کلان‌شهر ایران، دومین کلان‌شهر بزرگ خاورمیانه پس از قاهره و یکی از پر جمعیت‌ترین کلان‌شهرهای جهان است. این منطقه بخش قابل توجهی از استان تهران و بخش شرقی استان البرز را در بر می‌گیرد. شهرهای تهران، شمیران، ری، اسلامشهر، شهریار و شماری شهر و شهرک‌های کوچک دیگر در این منطقه قرار دارند کلان‌شهر تهران دارای رشد سریع جمعیت بوده و این موضوع به همراه خود مشکلاتی داشته است؛ آلودگی هوا، ترافیک، کمبود فضای آموزشی، کمبود برخی نیروهای متخصص و کمبود تخت بیمارستانی از این دسته مشکلات هستند (Mousavi, 2014). این کلان‌شهر همچنین با مشکلات حاشیه‌نشینی روبرو است و مهم‌ترین دلایل گسترش آن در کلان‌شهر تهران، به ترتیب اهمیت، ضعف ساختار اقتصادی، ضعف نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، نبود هدایت و حمایت دولتی، رخدادهای سیاسی، بلایای طبیعی و رخدادهای اجتماعی هستند. بر طبق آخرین سرشماری که در

سال ۹۵ انجام شده است، در حالیکه استان تهران تنها ۰/۸ درصد از مساحت کشور را تشکیل می دهد، ۱۶/۶ درصد از جمعیت کشور را در خود جای داده است، همچنین ۲۱/۱ درصد از جمعیت شهری کشور در استان تهران زندگی می کنند که نشانگر تراکم بالای جمعیت استان است در حالی که تنها ۳/۹ درصد از جمعیت روستایی کشور در استان تهران زندگی می کنند، این آمار بیانگر درصد بالای شهرنشینی در استان تهران است (Khan Sefid, 2012). از ۴۰ شهرستان پرجمعیت کشور هفت شهرستان متعلق به استان تهران است که از این هفت شهرستان، شهرستان های ری، اسلامشهر، پاکدشت، شهریار و بهارستان در حاشیه شهر تهران قرار دارند و قسمت عمده جمعیت آنها را می توان در جمعیت مجموعه شهری تهران لحاظ کرد. جمعیت شهرستان تهران بین سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ به طور متوسط سالانه ۱/۳ درصد رشد داشته است در حالی که این رشد جمعیتی طی سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ به طور متوسط ۰/۸ درصد بوده است. جمعیت تهران در سال ۱۳۹۵ برابر با ۸,۶۹۳,۷۰۶ نفر بوده است (Darabi, 2008).

نقشه ۱: نقشه شهر تهران



Source: <https://en.tehran.ir>

در دهه های اخیر قدر مطلق جمعیت تهران افزایش چشمگیری داشته و از حدود ۲ میلیون نفر در سال ۱۳۴۵ به ۸/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است و در حال حاضر شهر تهران به تنهایی بیش از ۱۰/۹ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده است. این در حالی است که با احتساب جمعیت پیرامونی (استان البرز)، جمعیت محدوده کلانشهری تهران بالغ بر ۱۶ میلیون نفر و بیش از ۲۰ درصد جمعیت کشور می باشد. نرخ رشد بالای جمعیت در شهرهای قرچک، قدس، شهریار و کرج نیز بیانگر اشباع تهران به لحاظ جمعیت پذیری و در عین حال جذابیت آن به عنوان قطب کار و

اشتغال است (Moghimi, 2008). برآوردها نشان می‌دهد از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۱۵، به طور متوسط سالانه حدود ۷۶۶ هزار نفر به جمعیت کشور افزوده خواهد شد که به طور متوسط ۱۲۹ هزار نفر آنها در هر سال مربوط به استان تهران است. بررسی روند مهاجرت‌پذیری جمعیت کشور نشان می‌دهد در سال ۱۳۸۵ استان تهران با موازنه مهاجرتی ۶۱۷ هزار نفر در راس استان‌های مهاجرپذیر کشور قرار داشته است و شهر تهران با جذب ۳۱ درصد از کل مهاجران کشور مهم‌ترین کانون مهاجرپذیری کشور بوده است، اما در سال ۱۳۹۵ این روند به شدت کاهش یافته است (Doxbury, 2010). همچنین تهران به لحاظ جابه‌جایی درون استانی نیز در صدر قرار دارد به طوری که ۱۰ درصد جمعیت این کلان‌شهر مربوط به جابه‌جایی‌های درون استانی است. عمده‌ترین دلیل مهاجرت به شهر تهران نیز مربوط به پیروی از خانواده (۴۲ درصد) و بعد از آن جستجوی کار (۱۳ درصد) و تحصیل (۱۰ درصد) بوده است (Mofidi and Eftekhari, 2009). مهاجرت به تهران به‌طور فزاینده‌ای منشاء شهری دارد و حدود ۶۰ درصد مهاجران پیش از این در نقاط شهری دیگر استان‌ها ساکن بوده‌اند. بخش قابل توجهی از این مهاجران به دلیل بالابودن هزینه، امکان زندگی در شهر تهران را نداشته و بنابراین بیشتر در حومه‌ها ساکن شده‌اند، بنابراین مناطق روستایی استان تهران با استقرار مهاجران با منشاء شهری، هر چه بیشتر «شهری» شده‌اند (Rabbani Khorasgani et al., 2011).

کلان‌شهر تهران نیز همچون کل کشور با بحران تغییرات اقلیمی و بحران آب نیز مواجه است؛ گزارش‌های رسمی حاکی از افزایش میانگین دمای کشور طی دوره زمانی ۹۵-۱۳۴۷ با شیب حدود ۰/۴ درجه سانتیگراد در دهه است. این وضعیت در برخی از کلان‌شهرهای کشور مانند تهران، اصفهان و شیراز به دلیل پدیده جزایر گرمایی شدیدتر هم بوده است. این تغییرات دما باعث کاهش بارش‌ها با شیب ۱۱ میلیمتر در هر دهه شده و میزان تبخیر و تعرق بالقوه در نتیجه افزایش دما، با شیب ۵۴ میلیمتر در هر دهه افزایش یافته است. اثرات گسترش شهرها و ساخت و سازها نیز بر کاهش سرعت باد و سایر پارامترهای اقلیمی تاثیر گذاشته و قدرت خودپالایی بسیاری از کلان‌شهرها از جمله تهران را برای جذب و پالایش آلاینده‌های هوا به شدت کاهش داده است (Rahimi et al., 2013).

کلان‌شهر تهران با مخاطرات طبیعی و انسان‌ساز بسیار از جمله واقع شدن بر روی گسل‌های زلزله‌خیز (گسل‌های مشا و نیاوران در شمال، لویزان، طرشت و... در مرکز، گسل‌های شمال و جنوب ری در جنوب و نیز گسل‌های پارچین، اشتهاورد و... در اطراف شهر)، وقوع سیلاب‌های ویرانگر، زمین لغزش، تندبادها، آتش‌سوزی، ایمن نبودن ساختار فیزیکی و کالبدی شهر (المان‌ها و محیط شهری) مواجه است. تاکنون حدود ۴۷ کیلومتر مربع پهنه گسلی در تهران شناسایی شده است. همچنین مشرف بودن شهر به ارتفاعات البرز خطر وقوع زمین لغزش را محتمل کرده و آسیب‌پذیری در برابر خطر زمین لغزش به‌ویژه با گسترش شهر در ارتفاعات شمالی افزایش یافته است. در طول سالیان اخیر به واسطه تغییرات اقلیمی و استخراج غیراصولی آب‌های زیرزمینی، فرونشست‌های دشت شهریار در حال گسترش بوده و بخش‌هایی از آن، جنوب شهر تهران را نیز در بر گرفته است (Marsousi and Bahrami Paveh, 2011). در قسمت‌هایی از جنوب شهر نیز با توجه به شرایط زمین‌شناختی (نوع خاک، سطح آب زیرزمینی و...)، وقوع روان‌گرایی

محتمل می‌باشد. از این گذشته، حدود ۱۳۰۰ رشته قنات با مجموع بیش از ۵۱ هزار میله و طول ۱۲۰۰ کیلومتر که در گذشته وظیفه تامین آب شهر را بر عهده داشته‌اند، اینک عموماً بدون متولی رها شده و هم اکنون یکی از مخاطرات مهم شهر تهران می‌باشند که می‌توانند منجر به وقوع حوادث مختلفی از جمله نشست ساختمان‌ها، بالازدگی آب در ساختمان‌ها، نشست آب به تاسیسات زیرزمینی و... شوند (Rezaian Qaragzloo et al., 2012).

علاوه بر مخاطرات برشمرده شده، آسیب‌پذیری‌های متعددی نیز در شهر وجود دارند؛ از این دست می‌توان به وسعت ۲۴ درصدی بافت‌های ناپایدار از مساحت شهری و سکونت حدود ۴۲ درصد ساکنین شهر تهران در بافت‌های بحران‌زا (۱۵ درصد از جمعیت کل شهر تهران در ساختمان‌های واقع در بافت فرسوده، ۲/۰۹ درصد ساکن در ساختمان‌های واقع در پهنه گسلی، ۲ درصد ساکن در ساختمان‌های واقع در پهنه یا در معرض خطر زمین لغزش، ۲ درصد در ساختمان‌های واقع در حریم و بستر رودخانه، ۱۹ درصد ساکن در ساختمان‌های واقع در بافت ریزدانه و یک درصد از ساکنین تهران در ساختمان‌های واقع در بافت نفوذ ناپذیر) اشاره کرد که در صورت وقوع زلزله، می‌تواند بزرگ‌ترین فاجعه انسانی قرن را بیافریند (Marsousi et al., 2009). در کنار این مسأله باید آسیب‌های متعددی که عدم رعایت اصول حاکم بر طرح جامع و تخلف‌های ساخت‌وساز در صورت وقوع زلزله به شهر تهران تحمیل می‌کند را نیز لحاظ کرد؛ ساخت سازه‌هایی با ارتفاع بیش از حد مجاز که در صورت ریزش می‌توانند با بستن معابر و شریان‌ها، عملیات امدادرسانی را سخت و حتی غیرممکن کرده و بر میزان تلفات به‌صورتی نمایی بیافزایند (Rafieian and Shali, 2012).

وضعیت توسعه پایدار در تهران

شاخص‌هایی که شایسته است در بررسی پایداری شهرها مورد بررسی قرار گیرد، شامل موارد ذیل هستند: جمعیت: اصلی‌ترین عامل در بحث از پایداری شهری، جمعیت و اثرات اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهایتاً مدیریتی آن روی شهرها و حتی زیست کره می‌باشد. پس به جاست در بحث از پایداری شهری و شاخص‌شناسی آن به جمعیت نیز به عنوان مهم‌ترین عامل توجه کرد. بررسی تعداد جمعیت، نرخ رشد آن، میزان مهاجرت‌ها و اثرات آن در ساختار جمعیتی شهر و... می‌تواند در رسیدن به پایداری شهری مؤثر واقع شود (Rahnamaei and Shah Hosseini, 2010).

موقعیت اقتصادی: شهرها به عنوان سیستم‌های باز در عصر جهانی شدن و دهکده جهانی و ارتباطات به ناچار در جهت تداوم و بقا، نیازمند گسترش ارتباطات با سطوح منطقه‌ای، ملی و جهانی خواهند بود (Mokhtari Malekabadi et al., 2014). در جهت حفظ شرایط پایداری شهر در طول زمان از نظر اقتصادی شهرها نیاز خواهند داشت که در تدوین راهکارهای توسعه خود و زیرساخت‌های اقتصادی خود به گونه‌ای عمل نمایند که بتوانند بیشینه استفاده را از موقعیت‌ها و پتانسیل‌های خود در ابعاد مختلف محلی و ملی و بین‌المللی در جهت حفظ و تداوم کیفیت بیشتر زندگی ساکنانشان ببرند. هدف اصلی شهر در یک محیط رقابت جهانی باید بر دو نکته متمرکز شود: یکی حداکثر استفاده از پتانسیل‌ها و قایبیت‌های اقتصادی و دومی تأکید بر ایجاد فعالیت‌های اقتصادی متنوع در شهر، بدین جهت

که شهر بتواند در مقابل نوسانات و اختلالات غیر منتظره محیط جهانی انعطاف پذیری و توان مقاومت لازم را داشته باشد (Rahnamaei and Pourmousavi, 2006).

تغییر اقلیم: با توجه به گسترش بیش از پیش شهرنشینی در سال های آتی، شناخت تغییرات ناشی از شهرنشینی در اقلیم جهانی در جهت دستیابی به پایداری شهری یا به عبارت بهتر پایداری جهانی، ضروری به نظر می رسد. به طور کلی معاهدات بین المللی زیست محیطی یک ساز و کار کلیدی ایجاد می کند که در آن ملل و کشورهای مختلف به یک درک مشترک از مشکلات زیست محیطی و توافقات دو جانبه جهت حل و کاهش این مشکلات می رسند (Mohammadi and Majidfar, 2010). آلودگی هوا: با توجه به این موضوع که شهرها اصلی ترین الوده کننده های کیفیت هوای محیط زیست در مقیاس محلی، ملی و بین المللی اند، شناخت عوامل آلوده ساز و تشدید کننده آنها در محیط های شهری و تلاش در جهت کاهش آنها از ضرورت های دستیابی به پایداری شهری اند. کیفیت آب طبیعی: لازمه تلقی یک شهر به عنوان پایدار، فراهم کردن منابع آبی سالم و بهداشتی برای ساکنان، جلوگیری از ایجاد اختلال در کیفیت بیولوژیکی و زیستی منابع آبی سطحی و زیرزمینی پیرامون شهرها و عدم ایجاد آلودگی و یا اختلال در منابع آبی سایر شهرها و نواحی زیستی پیرامون شهرها از طریق استفاده بیش از اندازه و یا آلوده کردن منابع زیستی این شهرهاست (Saedi, 2008).

جامعه باز: شهرها نه تنها سطوح مختلف سلسله مراتبی مشخص را اشغال می کنند، بلکه بخشی از یک شبکه نیز محسوب می شوند. در این شبکه جهانی شهرها جریان های مختلفی از اطلاعات، سرمایه، نیروی کار، کالا و خدمات و ... در جریان است. درک مشترک شهرها در این شبکه نسبت به موقعیت خود و سایرین و وجود ارتباطات متقابل وسیع میان این شهرها به عنوان تضمین کننده پایداری در این شبکه خواهد بود. وجود پیوستگی متقابل میان شهرها در حوزه های مختلف اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی و ... باعث شده است که شهرها در شبکه شهری جهانی نیازمند همراهی با یکدیگر در جهت دوام و بقای خود باشند (Saedi, 2009).

برنامه ریزی واحد و یکپارچه: در موضوع شناسی مسائل و مشکلات شهری جهت برنامه ریزی مناسب، تعدد موضوعات و سازمان های دخیل در امر برنامه ریزی به دلیل پیچیدگی ذاتی شهرها، برنامه ریزان و سیاستگذاران شهری را ناگزیر به اتخاذ رویه برنامه ریزی واحد و یکپارچه جهت ایجاد هماهنگی بین اولویت ها و نیازهای مختلف این مداخله کنندگان میکند. امروزه بیش از گذشته این نکته مورد تأکید قرار گرفته است که برای برنامه ریزی شهری کارآمد و مؤثر، یکپارچگی در قوانین و مقررات و ضوابط اجرایی در بین نهادها و سازمان های مسئول ضروری است. ایجاد و کاربرد مجموعه ای از ضوابط و قوانین یکپارچه و نظام مند، روشی است که بازده مؤثری را از طریق همکاری های اندیشه شده و هم آهنگ فراهم می آورد که امکان بازخورد های آنها به عنوان راهکار پایه ای از طرف شهرها برای تقویت ارتباطات، انسجام و پیوستگی مورد توجه قرار گیرد (Saedi, 2009).

توانایی و پتانسیل نوآوری و ابداع: برای اینکه شهری ظرفیت و پتانسیل انطباق پذیری و سازگاری را دارا باشد، باید قادر به نوآوری و ابداع باشد. بدون وجود نوآوری مناسب و زیربنایی، یک شهر قادر نخواهد بود با سرعت عمل مناسب در زمان اختلالات و نابسامانی ها، با شرایط جدید انطباق پیدا کند. توانایی تکامل در درون یک بازار رقابت جهانی، اساس و پایه ای را برای یک الگوی شهری سازگار ایجاد می کند. یک شهر با توانایی تفکر روی یک سطح برنامه ریزی استراتژیک را داشته باشد و سیاست گذاری ها و برنامه ریزی ها به گونه ای باشد که به شهر امکان شرکت در تعیین سرنوشت آینده خویش را بدهد (Saif al-Dini et al., 2007). پتانسیل و ظرفیت مربوط به زیرساخت منطقه ای: منظور از پتانسیل های زیرساختی، تأسیسات و تجهیزاتی است که شهر را با بقیه نقاط جهان در ارتباط قرار می دهد، مانند سیستم های حمل و نقل (ریلی، هوایی، جاده ای، دریایی) و ارتباطات. این زیرساخت ها باید توسعه یابند تا مانعی برای مشارکت شهر در اقتصاد جهانی ایجاد نگردد (Mohammadzadeh Asl et al., 2010). عامل سرعت، یک پیش نیاز اساسی و پراهمیت مشارکت در روند تجارت جهانی است و اگر که مردم، اطلاعات و کالاها نتوانند با سرعت در بین مکان ها و نواحی حرکت کنند، شهر در وضعیت نامناسبی از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره قرار خواهد گرفت. برای ارزشیابی این شاخص می توان به مواردی چون ظرفیت دروازه های ورودی و خروجی شهر برای صادرات و واردات کالاها و خدمات مانند ظرفیت فرودگاه ها در ارتباط با حمل بار و مسافر، ظرفیت پایانه های مسافربری و باربری و کیفیت تأسیسات و تجهیزات آن ها، کیفیت ارتباطات راه دور در شهر همانند تعداد مشترکین تلفن و اینترنت و غیره اشاره کرد (Seif, 1992).

سرمایه اجتماعی: بر اساس نظر جیمز کلیمان، جامعه شناس آمریکایی، سرمایه اجتماعی عبارت است از توانایی افراد برای همکاری با یکدیگر به منظور دستیابی به اهداف مشترک در گروه ها و سازمان ها. برای شناخت میزان و یا ظرفیت سرمایه اجتماعی در شهری می توان از شاخص های زیر استفاده کرد: تعداد و نوع تشکل ها، سازمان ها و انجمن های غیر دولتی و محلی، سرانه آن ها و طول زمان عضویت، گروه های اجتماعی و تعداد سرانه آن ها، میزان آگاهی و شناخت مردم نسبت به ساختارهای اجتماعی؛ به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی از طریق سنجش میزان عضویت در گروه ها و شبکه ها تعیین می شود (Shahabian and Rahgozar, 2012).

آموزش: تغییر و تحرک اجتماعی با توانایی سیستم آموزشی برای مجهز کردن جمعیت به مهارت های زندگی و همچنین اشتغال مرتبط می باشد. در زمانی که اقتصاد شهرها بیش از پیش جهانی می شود و بخش خدمات متنوع تر می شود، شغل ها تخصصی تر می شوند و در نتیجه نیاز به افزایش آگاهی ها برای ارتباط با جهانی نوین به سرعت توسعه پیدا می کند.

امنیت: برقراری امنیت به عنوان اساسی ترین نیاز انسانی، می تواند علاوه بر تأمین نیازهای اصلی (فیزیولوژیک)، زمینه ساز تأمین سایر نیازها مانند تعلق، احترام و خودشکوفایی نیز باشد. یک شهر پایدار نیازمند یک محیط پایدار و ایمن برای ساکنانش است (Shia Zadeh, 2010).

روند تحولات مناطق شهر تهران به شکلی است که مناطق ۲۲ گانه آن توسعه هماهنگی را تجربه نکرده اند و ناهمگونی رشد و توسعه، گریبان گیر این کلان‌شهر شده است. این تحولات منجر به رشد غده‌ای برخی مناطق شهر شده و برخی دیگر در سطوح پایین برخورداری از خدمات و امکانات شهری، نسبت به دیگر مناطق باقی مانده اند (محمدزاده اصل و همکاران، ۱۳۸۹). یافته‌های حاصل از پژوهش نشان دهنده این است که توزیع فضایی خدمات و سطح برخورداری در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران تعادل مناسبی ندارد و برخی از مناطق شهری در بعضی از انواع خدمات، حالتی متراکم و برخوردار به خود گرفته و عده‌ای دیگر محروم از آن خدمات هستند (Mohammadi and Majidfar, 2010). به طور کلی محاسبات حاصل نشان دهنده توزیع فضایی نامناسب خدمات شهری در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران است. با تکیه بر مبانی نظری پژوهش و ارتباطی که بین توزیع خدمات و توسعه پایدار شهر وجود دارد، می‌توان به این نتیجه رسید که توزیع نامناسب و اختلاف در سطح برخورداری یکی از مهمترین عوامل ناپایداری توسعه در مادر شهر تهران است (Kiqbadi et al., 2008). بنابراین فرضیه تحقیق مورد تایید قرار می‌گیرد. بررسی‌های حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که صرف وجود خدمات در یک شهر، حتی اگر که بیش از نیاز واقعی باشد و یا با سرانه استاندارد برابر باشد نمی‌تواند جوابگوی نیاز همه ساکنان شهر باشد و به پایداری شهر منجر شود؛ بلکه در کنار این مساله، باید این امر مهم مورد توجه ویژه قرار گیرد که این خدمات به چه شکلی توزیع شده اند و پراکنندگی فضایی آنها از چه الگویی تبعیت می‌کند (Sarraf et al., 2009).

با توجه به اینکه شهر تهران به عنوان پایتخت ایران نقش اساسی در سطح ملی و منطقه ای و حتی بین‌المللی بر عهده دارد و بیشترین جمعیت شهر نشین را در بین شهرهای ایران به خود اختصاص داده است پیشنهاد می‌شود که به منظور توسعه همه جانبه بخش‌های مختلف شهر و رفع نابرابری بین مناطق آن مدیران شهری توجه بیشتری به مناطق محروم معطوف نموده تا اختلاف برخورداری به حداقل ممکن برسد؛ در غیر اینصورت توسعه پایدار شهر هرگز محقق نخواهد شد (Kamran et al., 2010).

وضعیت اخلاق شهروندی در تهران

همراه‌سازی توسعه اقتصادی شهری کنونی تهران با ملاحظات اخلاقی مرتبط؛ عدالت، انصاف و برابری؛ همراه‌سازی توسعه اجتماعی شهری کنونی تهران با ملاحظات اخلاقی مرتبط؛ هویت شهروندی، حق، وظیفه، امتیاز، مشارکت، همراه‌سازی توسعه فرهنگی شهری کنونی تهران با ملاحظات اخلاقی مرتبط؛ آموزش اخلاق شهروندی و همراه‌سازی توسعه حقوقی شهری کنونی تهران با ملاحظات اخلاقی مرتبط؛ قانون‌گرایی شهروندی و قانون‌مندی مدیریت شهری از راهبردهای سیاستی شهری است که می‌توانند برای تدبیر این نابسامانی اخلاقی در کلان‌شهر تهران مورد نظر مدیریت شهری قرار گیرند (Azizi and Dolatabadi, 2012).

جدول ۱: آسیب‌های اجتماعی متزلزل‌کننده اخلاق اجتماعی در کلان‌شهر تهران در دهه ۹۰

مقوله	آمار (درصد)	جدول
{نظر ۱۲۷۴ پاسخگو درباره میزان رواج آسیب‌های اجتماعی در کلان‌شهر تهران ۱۳۹۲}		
بی‌اعتمادی اجتماعی	۷۵	۵
نزاع و درگیری	۶۰	۷
فحاشی و تندخویی	۶۷	۱۳
دروغ‌گویی	۸۴	۱۵
دورویی و بی‌کاری	۸۰	۱۹
تنبلی و بی‌کاری	۵۳	۲۱
خودخواهی	۷۱	۲۵
اسراف و مصرف‌گرایی	۷۱	۲۹
رشوه‌گیری، اختلاس، پارتی‌بازی و باندبازی	۸۶	۳۵
بی‌انضباطی و رفتار غیرقانونی	۷۰	۳۹
مفاسد اخلاقی	۶۱	۴۲
زورگیری و اخاذی	۵۹	۴۳
مزاحمت	۶۲	۴۵
نزول و رباخواری	۶۷	۴۹

Source: (ISPA, 2013)

عوامل عدیده‌ای را می‌توان در مورد ضرورت و چرایی توجه به مشارکت مردم در امور شهری برشمرد که به نظر می‌رسد، اساسی‌ترین آنها را می‌توان در پیچیدگی فزاینده زندگی در کلان‌شهرها، تنوع در نظام انتظارها و مطالبات شهروندان، ناتوانی برنامه‌ریزان شهری به رغم تمام تلاشی که صرف مدیریت شهر می‌کنند در وقوف به پهنه وسیع نیازها و سلاقی شهروندان، ناتوانی حاکمیت در تأمین مالی و فراهم سازی زمینه‌های اجرایی و نظارتی برنامه‌ها و اقدام‌های مورد نیاز، تقویت احساس مسئولیت، جست و جو کرد (Qoli and Rahmati, 2012). افزون بر این، آگاهی از نیازها و خواسته‌های شهروندان، تمرکززدایی و حرکت به سمت واگذاری امور، اولویت فضاها و فرهنگی-اجتماعی، آموزش فرهنگ شهرنشینی و بهره‌وری بهینه از امکانات و تلاش برای دستیابی به توسعه پایدار شهری که به عنوان اصول کلیدی مدیریت شهری از آنها یاد می‌شود، بدون مشارکت مردم و تحقق حکمروایی شهری امکان‌پذیر نیست.

رشد جمعیت و دیگر تحول‌ها و تغییرات پیش آمده و نیز مطالبات و انتظارات جدیدی که تحت تأثیر این تغییر سر برآورده است، در حیات ذهنی شهروندان و اعیان اجتماعی تأثیر گذاشته است (Ghorbani et al., 2013). گسترش فیزیکی و کالبدی کلان‌شهر تهران و انواع آسیب‌ها و چالش‌های فضایی و اجتماعی که به زیان حفظ ارزش‌ها و هویت فضایی و اجتماعی شهر است، ممکن است موجب بی‌نظمی‌ها و اختلالات اجتماعی و چه بسا خلق بحران‌های اجتماعی شود. برون‌رفت از این وضعیت بحرانی، نه تنها از مهم‌ترین معضلات مدیریت شهری پایتخت به شمار می‌رود بلکه بخش مهمی از برنامه‌های مدیریت و اداره کلان‌شهر را به خود معطوف کرده است (Ghaffari, 2013).

برای اداره امور عمومی شهری، دو روش و شیوه وجود دارد: در روش نخست که حکومت نام دارد، شهرداری مسئولیت تمام امور را بر عهده دارد. این نهاد موظف است، تمامی خدمات را برای شهروندان فراهم کند. این روش به سبب مسائلی مانند پیچیدگی روزافزون زندگی و کاهش توان مدیریت‌ها در حل مسائل شهری و از میان بردن یا تضعیف قوه استقلال و ابتکار عمل شهروندان مورد بررسی جدی قرار گرفته است. در روش دوم که حکومت‌داری نام دارد، مسئولیت اداره امور عمومی میان سه نهاد شهرداری، جامعه مدنی و بخش خصوصی تقسیم شده است. هر یک از این سه نهاد به طور مشترک در قبال تمام مسائل پاسخ‌گو هستند (Nejati Hosseini, 2000). در قسمت‌های مختلف لایحه برنامه پنج‌ساله شهرداری تهران به مشارکت مردمی توجه شده است. مهم‌تر اینکه چشم‌انداز و انتظاراتی متعالی متصور شده برای شهر تهران در لایحه یاد شده، بدون وجود مشارکت مؤثربخشی، نهادی و مردمی، امکان تحقق ندارد. در نتیجه مشارکت مردمی باید به عنوان الزامی اساسی برای عملی شدن لایحه و راهبردهای مربوط به آن تلقی می‌شود (Ali Shah, 2000) در این لایحه به ارتقای فرهنگ شهروندی اشاره شده است که فرهنگ مشارکت هم عامل مؤثر در این ارتقا است و هم خود پیامد فرهنگ شهروندی است. همچنین در این لایحه بر تسهیل مشارکت گروه‌های مختلف شهروندان در حوزه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزش‌یابی فعالیت‌های خدماتی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اشاره شده است که این توجه، نشان از نگاه فراگیر و همه‌جانبه نهاد شهرداری نسبت به امر مشارکت دارد که در گذشته، این نوع نگاه مورد نظر و مورد توجه مدیران شهری نبوده است (Azizi, 2006).

در شاخص قابلیت زندگی این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد که کدام نقاط جهان بهترین یا بدترین شرایط زندگی را برای مردم فراهم می‌کنند. برآورد این شاخص کاربردهای زیادی دارد، از تعیین سطح توسعه‌یافتگی گرفته تا جایابی مهاجران و پناهندگان. براساس آمارهای واحد اطلاعات اکونومیست در این شاخص، کیفیت و ابعاد چالش‌هایی را که زندگی هر فرد در هر شهر ممکن است با آن مواجه شود، مورد سنجش قرار می‌دهد. این شاخص بر پایه نظرسنجی و با در نظر گرفتن بیش از ۳۰ عامل کیفی و کمی در پنج معیار کلی به دست می‌آید: ثبات، بهداشت و درمان، فرهنگ و محیط‌زیست، آموزش و پرورش و زیرساخت‌ها. سال گذشته تهران در رتبه‌بندی دوره‌ای شهرهای جهان با شاخص «قابلیت زندگی»، جزو ۵ شهر داری بیشترین صعود در نمره، شناخته شد (Farhoudian, 2005). جزئیات گزارش واحد

اطلاعات اکونومیست درباره مطلوبیت سکونت و قابلیت زندگی در ۱۴۰ شهر جهان نشان از این داشت که تهران جایگاه ۱۲۸ را از میان ۱۴۰ شهر به خود اختصاص داده است. طبق تحقیقاتی که یکی از معاونت‌های شهرداری تهران انجام داده بود، ۸۶ درصد مردم اعلام کرده بودند که نسبت به هم بی تفاوت هستند و انسجام اجتماعی جای خود را به گسیختگی و عدم تعلق داده است. ۸۶ درصد مردم گفته‌اند مهم‌ترین مشکل، تبعیض و نابرابری بین مناطق مختلف تهران در حوزه‌های مختلف است (Alaqband Rad, 2003).

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

اهمیت حقوق شهروندی تا به حدی است که رابطه نزدیکی با جایگاه حاکمیت پیدا می‌کند. در جوامعی که افراد به حقوق و تکالیف خود آگاهی داشته باشند و حریم همدیگر را رعایت کنند آن جوامع از استحکام و مشروعیت بیشتری برخوردارند و البته در جوامعی که حاکمان نماینده واقعی مردم باشند و مسئولان با شایستگی و لیاقت بر مسند قدرت تکیه زده باشند در راه تبیین و رعایت حقوق شهروندان گام بر خواهند داشت، در غیر این صورت است که توجهی به این امر مهم نخواهند کرد. شهروند شدن و شهروند خوب بودن یک فرهنگ است که هم نیاز به آموختن دارد و هم زمان زیادی را می‌طلبد. رعایت حقوق شهروندی منوط است به شناسایی این حقوق در جامعه، چگونگی عمل به آنها و نحوه تضمین اجرایی شدن آنها. در این صورت است که رعایت حقوق شهروندی عاملی در جهت فراهم سازی زمینه رشد شخصیت فردی و اجتماعی خواهد شد. از اصول اولیه زندگی شهرنشینی، آموزش افراد اجتماع و به تعبیری جامعه پذیر کردن جامعه نشینان برای فراگیری و رعایت اخلاق شهروندی است. اخلاق شهروندی همان مسئولیت و تعهدی است که فرد به عنوان شهروند نسبت به جامعه و اعضاء آن دارد و بنابر هنجارها و قواعد رسمی جامعه تعریف می‌شوند؛ به عبارت دیگر وظایفی که شهروندان نسبت به نهادهای اجتماعی و یا سایر شهروندان دارند به عنوان اخلاق شهروندی مطرح می‌شود.

اخلاق شهروندی تعهدات عمومی است که در قالب رفتارهای اجتماعی شکل می‌گیرد؛ به عبارت دیگر اخلاق شهروندی شامل وظایفی است که شهروندان در یک شهر، نسبت به نهادهای اجتماعی و یا سایر شهروندان دارند و وظیفه شناسی، مسئولیت پذیری در شهر، قانونمندی و هنجارپذیری از مهم ترین واژگان و مفاهیمی می‌باشند که در راستای مفهوم اخلاق شهروندی به آنها پرداخته می‌شود. جامعه شناسان معاصر از جمله پارسونز، ترنر، فالکس، کیمیلیکا و جانوسکی تعاریف مختلفی از شهروندی بیان نموده اند که در این مقاله به تشریح هر یک پرداخته می‌شود. شهروندی پایگاهی است که با ظهور سرمایه داری و رشد مدرنیته در جوامع به افراد تعلق گرفت. آنطور که پارسونز بیان می‌دارد شهروندی پدیده ای است مدرن که حاصل گسترش ارزش ها و هنجارهای عام می‌باشد و با ظهور مدرنیته و سرمایه داری یا پدید آمدن تغییرات در جامعه سنتی نظیر شهری شدن، صنعتی شدن، سکولار شدن و عقلانیت رشد یافته است. همچنین می‌توان آن را توسعه مدرنیته یعنی انتقال اعضاء جامعه از وضعیت مبتنی بر منزلت به وضعیت مبتنی بر قرارداد تلقی کرد. شهروندی پایه اصلی نظامهای دموکراتیک محسوب می‌شود. در جوامع دموکراتیک شهروندی به

معیار اصلی همبستگی ملی تبدیل شده است. در یک جامعه مدرن دیگر پیوندهای قومی، مذهبی، جنسیتی و غیره معیاری برای عضویت افراد در جامعه یا طرد آنها از آن تلقی نمی‌گردند. بلکه در جوامع دموکراتیک مدرن، وضعیت شهروندی شالوده‌های کافی برای همبستگی ملی فراهم می‌کند. آمیختگی شهروندی با مفهوم پلورالیسم نشان می‌دهد که شهروندی می‌تواند با نادیده گرفتن تنوعات و همراه با کثرتگرایی فرهنگی، محوری را جهت ایجاد هویت ملی به وجود آورد. با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت که عناصر اصلی شهروندی را حقوق و وظایف تشکیل می‌دهند. شهروندی مفهومی است که جذابیت عام دارد و به تعبیر فالکس، دلایل جذابیت شهروندی برای هر دو گروه محققین چپ و راست، دارا بودن توأمان هر دو عنصر فردگرایانه و جمعگرایانه و نیز داشتن یک ایده ذاتاً ارتباطی می‌باشد، چرا که به نظر او شهروندی متضمن همکاری میان افراد برای اداره زندگیشان می‌باشد.

تا قبل از این در ایران، شهروندی تنها از منظر شهر و شهرنشینی مطرح می‌گردید و شهروندی در قالب رابطه متقابل یک شهرنشین با شهر و مدیران شهری و شهرداری دیده می‌شد و حقوق شهروندی را در گرو تصویب نقشه جامع شهر می‌دیدند؛ اما استفاده از واژه شهروند و شهروندی یا حقوق شهروندی در سال‌های اخیر در میان حقوقدانان و مجامع قانونی تعریف جدیدی پیدا کرده است. در سال ۸۳ قانونی با عنوان «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» به تصویب مجلس رسید و به نام «بخشنامه حقوق شهروندی» در قوه قضائیه، در دستور کار واحدها قرار گرفت. رئوس مهم این قانون درباره نحوه بازداشت و بازجویی و منع شکنجه و رفتار با متهمان توسط ضابطین و مجریان قضایی بود. امروزه اغلب افراد در محیط‌های شهری زندگی می‌کنند و آنچه مسلم است این است که در فضای زندگی شهری، رفع نیازها از طریق تعاملات متقابل افراد با یکدیگر صورت می‌پذیرد. لذا آنچه در روند این نوع زندگی ضروری به نظر می‌رسد، قاعده‌مند ساختن روابط افراد در جامعه‌ی شهری به جهت جلوگیری از هرج و مرج و بی‌ثباتی در جامعه است.

- References

1. Ebrahimzadeh, Isa (2007), Analytical Model in Organizing Regional Spaces Case: Sangan Khash Area, Geographical Research - No. 59.
2. Ebrahimi, Mehran (2008), Creative City Meeting: Concepts, Policies, Case Study of Successful and Unsuccessful Cities, Tehran City Center for Studies and Planning, Niavaran Cultural Center.
3. Arjmandnia, Asghar (2000), Bumshahr: Crystallization of Urban Sustainability, Urban Management, No. 4, pp. 32
4. Irandoost, Kiomars and Gholami Zarchi, Mostafa (2015), Promoting the Opportunity for People's Presence and Participation by Introducing the Public Space Types of Creative City (Case: Yazd City), Journal of Fine Arts - Architecture and Urbanism, Volume 20, No. 2, p. 47
5. Bahraini, Seyed Hosseini (1997), Urban Planning and Sustainable Development, Quarterly Journal of Scientific Research Policies Approach, No. 17, pp. 33 and 35.
6. Baratali, Alireza, Bavanpour (2009), Study and analysis of inequality in the levels of development in the regions of Mashhad, Journal of Knowledge and Development (Scientific-Research) Year 16, No. 27.
7. Barati, Nasser and Thani, Amir (2011), Educating City: Necessities and Solutions, Tehran Studies and Planning Center, Consulting Group.

8. Parhizkar, Akbar and Firoozbakht, Ali (2011), The perspective of urban management in Iran with emphasis on sustainable urban development, *Geographical Quarterly of the Land*, the eighth year, No. 32.
9. Poladi, Kamal (2008), *Elements of Leadership*, Encyclopedia of Urban and Rural Management, First Edition, Organization of Municipalities and Villages of the Country.
10. Taghvaei, Massoud, Akbari, Mahmoudieh (2009), Spatial analysis of development indicators in the mother cities of the regions of Iran, *Geography (Scientific Research Journal of the Geographical Society of Iran)*, seventh year, No. 20 and 21.
11. Tulayi, Simineh (1994), The city and its environmental consequences, *Quarterly Journal of Geographical Research*, No. 33, p. 117
12. Khan Sefid, Mahdieh (2012), *Urban Management and Creative City*, Manzar Special Issue, No. 19, Summer, p. 95
13. Darabi, Hassaneh (2008), *Participatory Management*, Encyclopedia of Urban and Rural Management, First Edition, Organization of Municipalities and Villages of the Country.
14. Doxbury, Nancy (2010), *Creative Cities of Canada*, Translator: Farzin Pak, Shahrzad, *Journal of Municipalities*, No. 100, p.84
15. Rabbani Khorasgani, Ali; Rabbani, Rasool; Adibi Sedeh, Mehdi and Moazeni, Ahmad (2011), A Study of the Role of Social Diversity in Creating Creative and Innovative Cities, Case Study: Isfahan, *Journal of Geography and Development*, No. 21, pp. 180
16. Rahimi, Mohammad, Mohsen, moradali, Daha, Elhamgh and Fallahzadeh, Abdolrasoul (2013), *Shahr-e Khalaq (Theoretical Foundations and Indicators)*, Tehran Studies and Planning Center, *Daneshshahr Magazine*, No. 196, p.
17. Rezaian Qaragazloo, Ali, Ghaderi, Ismail and Mir Abbasi, Ramadan (2012), *Creative City Planning*, Tehran: Azarakhsh Publications.
18. Rafieian, Mojtaba, Shali, Mohammad (2012), *Spatial Analysis of Tehran Development Level by Urban Areas*, Lecturer of Humanities-Space Planning and Planning, Volume 16, Number 4.
19. Rahnamaei, Mohammad Taghi, Shah Hosseini, Parvaneh (2010), *Iran Urban Planning Process*, Samat, Seventh Edition, Tehran.
20. Rahnamaei, Mohammad Taghi, Pourmousavi, Seyed Mousayeh (2006), Investigation of security instabilities in Tehran metropolis based on indicators of sustainable urban development, *Geographical Research*, No. 57, Tehran.
21. Saeedi, Abbas (2008), *Urban Management*, Encyclopedia of Urban and Rural Management, First Edition, Organization of Municipalities and Villages of the Country.
22. Saeedi, Abbas (2009), *Encyclopedia of Urban and Rural Management*, Tehran, Organization of Municipalities and Rural Affairs, 2009
23. Saeedi, Hadi (2010), *Creative City*, *Journal of Municipalities*, Eleventh Year, No. 100, pp. 11
□
24. Saif al-Dini, Frank; Mira, Mohammad and Poursikhani, Zahra (2007). *Geography, city and urban planning in the context of globalization*, *Journal of Housing and Revolution*, No. 110, p. 10
25. Seif, Ali Akbar (1992), *Educational Psychology (sixth edition)*, Tehran: Agah Publications.
26. Shahabian, Pouyan and Rahgozar, Erfaneh (2012), *Linking the Creative Environment with the City*, Manzar Special Issue, No. 19, Summer 91
27. Shia Zadeh, Elaheh (2010), *Creative Management*, *Journal of Industry and Entrepreneurship*, No. 56.
28. Sarrafi, Mozafar, et al. (2009), *City Development Strategy Based on Sustainable Development*, *Geography Quarterly*, Year 7, No. 22, pp. 82-65.
29. Azizi, Shadi and Dolatabadi, Firooz (2012), *Meeting of Creative City, Post-Industrial Cities and the Role of Creativity in Urban Development*, Tehran. Municipality of Tehran.

30. Azizi, Mohammad Mehdi (2006), Sustainable Residential Neighborhood; Narmak Case Study, *Journal of Fine Arts* Page 27,
31. Alaqband Rad, Javadeh (2003), Exposure to Adolescent Violence, Cognitive-Behavioral Factors and Flexibility, *New Journal of Cognitive Sciences*, Volume 5, Number 2
32. Farhoudian, Ali (2005), Flexibility, Adaptation and Psychiatric Symptoms, *New Journal of Cognitive Sciences*, Volume 7, Number 1.
33. Ali Shah, Jafar, (2000), Spatial distribution of health care centers in urban areas of Tehran, *Geographical Research*, No. 38, pp. 19-19.
34. The victim, the messenger; Hosseinabadi, Saeed and Torani, Ali (2013), Creative Cities, a Cultural Approach to Urban Development, *Journal of Geographical Studies of Arid Areas*, Year 3, Issue 11, p. 18 police station, Behrang
35. Gholi, Vahid and Rahmati, Akbar (2012), Collective Space and Creative City, *Manzar Special Issue*, No. 19, p. 79.71
36. Kamran, Hassan, Prizadi, Taher, Hosseini Amini, Hassan (2010), Leveling of urban services in metropolitan areas of Tehran, *geography and regional planning (bi-quarterly)* first year, first issue.
37. Cortarier, Erhane (2010), Creative Economics in Istanbul, Translator: Taras Galestan, *Journal of Municipalities*, Eleventh Year, No. 100, pp. 75
38. Kiqbadi, Marzieh; Fakhraei, Marzieh; Alavi, Seyedeh Sara and Zavari, Seyed Abdolhamid (2008), Understanding the Cultural Industry, Final Report of the First Step (Project Development of a Document for the Development of Cultural Industries in Qom Province, First Edition, Qom: Asif Publishing
39. Mohammadzadeh Asl, Nazi, Imam Verdi, Ghodratollah, Sarirafraz, Mohammad (2010), Ranking of Urban Welfare Indicators in Different Areas of Tehran, *Journal of Research and Borna*
40. Roghanian, E., Rahimi, J., & Ansari, A. (2010). Comparison of first aggregation and last aggregation in fuzzy group TOPSIS. *Applied Mathematical Modelling*, 34(12), 3754-3766.
41. Krohling, R. A., & Campanharo, V. C. (2011). Fuzzy TOPSIS for group decision making: A case study for accidents with oil spill in the sea. *Expert Systems with Applications*, 38(4), 4190-4197.
42. Sneddon, C., Howarth, R. B., & Norgaard, R. B. (2006). Sustainable development in a post-Brundtland world. *Ecological economics*, 57(2), 253-268.